

فصلنامه علمی - تخصصی  
مطالعات قرآنی نامه جامعه  
سال نوزدهم - شماره ۱۳۸  
تابستان ۱۴۰۰

## تحلیل قرآنی - روایی گام‌های بین‌المللی تمدن‌ساز عصر ظهور از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

معصومه کاشفی‌زاده<sup>۱</sup>

خدیجه حسین‌زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

ایجاد دنیای اسلام و تمدن بین‌المللی اسلامی، به‌عنوان پنجمین مرحله از فرایند تحقق هدف‌های اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و بیانیه گام دوم انقلاب، نویدبخش آرمان بزرگ انقلاب یعنی «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور» است. امید به آینده در دیدگاه ادیان مختلف، از توجه خاصی برخوردار است. در راستای ترسیم دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان اندیشمند دینی در سه عرصه فردی، اجتماعی و بین‌المللی، مقاله پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای درصدد است به تحلیل قرآنی - روایی گام‌های بین‌المللی تمدن‌ساز عصر ظهور از منظر ایشان بپردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است مهم‌ترین این گام‌ها، دارای دو بُعد «سلوک بینشی» و «سلوک عملی» است. ایمان به خدا و باور به وعده‌های الهی در بُعد بینشی و قدرتمندی، عبودیت و تبری در بُعد عملی، از مهم‌ترین گام‌های بین‌المللی، از منظر رهبر معظم انقلاب در این عرصه شمرده شده که هر دو بُعد نیز دارای مؤیدات قرآنی و روایی است.

**واژگان کلیدی:** گام‌های تمدن‌ساز، گام‌های بین‌المللی، بیانیه گام دوم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، عبودیت، تبری.

۱. دانش‌آموخته سطح چهار تفسیر تطبیقی و مدرس جامعه الزهراء (ع)، قم، ایران، (نویسنده مسئول)؛ haramm@chmail.ir  
۲. دانش‌آموخته سطح چهار تفسیر تطبیقی، مدرس و پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات اسلامی زنان جامعه الزهراء (ع) و مدرس مؤسسه آموزشی بنت‌الهدی، قم، ایران؛ Hosinzadeh110@gmail.com

## مقدمه

حضرت آیت الله خامنه‌ای، فرآیند تحقق هدف‌های اسلامی را در پنج مرحله: «ایجاد انقلاب اسلامی»، «ایجاد نظام اسلامی»، «ایجاد دولت اسلامی»، «ایجاد کشور اسلامی» و «ایجاد دنیای اسلام (تمدن بین‌المللی اسلامی)» می‌دانند. ایشان به‌عنوان اندیشمند دینی، «چکیده منظومه فکری» خود را که برگرفته از «قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)» (متن دین و قرآن کریم) است، در بیانیه گام دوم انقلاب مرقوم کردند. بیانیه گام دوم، خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان، به‌منزله منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» است و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام، «انقلاب» را «به آرمان بزرگش» که «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی» است، نزدیک خواهد کرد. ایشان تصریح دارند: جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد که در آن، آمادگی و قابلیت باشد، و الا مثل انبیاء و اولیای طول تاریخ می‌شود (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۶/۰۹/۲۵). بر این اساس، می‌توان دیدگاه ایشان در تمدن‌سازی عصر ظهور را از ابعاد سه‌گانه فردی، اجتماعی و بین‌المللی بررسی کرد. از این رو، مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی به این سوال می‌پردازد که گام‌های بین‌المللی تمدن‌سازی عصر ظهور از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای دارای چه مستندات قرآنی و روایی است؟

با جستجوی انجام‌گرفته، نوشتاری با عنوان «تحلیل قرآنی - روایی گام‌های بین‌المللی تمدن‌ساز عصر ظهور از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای» یافت نشد، اما آثار مرتبطی در این زمینه وجود دارد. به‌عنوان نمونه، می‌توان از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن در دانشکده علوم و فنون قرآن کریم تهران با عنوان «مبانی قرآنی و روایی دیدگاه مقام معظم رهبری درباره تمدن‌سازی نوین اسلامی» نگارش حامد خدایاری در بهمن سال ۱۳۹۷ نام برد که نگارنده در آن به مراحل و مؤلفه‌های تمدن‌سازی نوین اسلامی، همچنین موانع تشکیل تمدن نوین اسلامی و راه حل‌های قرآنی و روایی آن از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته و در نهایت نیز مبانی قرآنی و روایی بیانیه گام دوم انقلاب را آورده است. پایان‌نامه مذکور به مبانی

پرداخته است، ولی نوشتار حاضر، گام‌ها را مد نظر دارد. همچنین اسماعیل عارفی گوروان در مقاله «زمینه‌های تحقق تمدن نوین اسلامی در جامعه اسلامی از منظر مقام معظم رهبری»، با بررسی نظام فکری معظم له، به برخی عوامل بیرونی و درونی‌گندی حرکت تمدن اسلامی اشاره و ذکر کرده که ایشان بروز انقلاب اسلامی ایران را نقطه خیزش جدید برای تمدن اسلامی به شمار آورده‌اند. نویسنده در ادامه، به مراحل تکوین تمدن نوین اسلامی از منظر ایشان پرداخته است. از این رو به نظر می‌رسد نوشتار حاضر، که بُعد سوم از گام‌های تمدن‌سازی را دنبال می‌کند، کاری جدید باشد.

## ۱. مفهوم‌شناسی

قبل از شروع بحث، به تبیین مفهومی دو عبارت کلیدی «تمدن» و «عصر ظهور» می‌پردازیم:

### ۱.۱. تمدن

واژه «تمدن» کلمه‌ای عربی از ریشه (م د ن) به معنای «تخلیق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت» (ر.ک: دهخدا، ۱۳۴۳، ج ۱۴، ص ۹۴۲) و به عبارت دیگر، به معنای «شهرنشینی» و به صورت مجازی، در معنای «تربیت» و «ادب» (ر.ک: همان؛ یادداشت به خط مرحوم دهخدا) به کار رفته است. کلمه «تمدن داشتن» نیز مصدر مرکب به معنای «دارای تربیت بودن» (همان) است. ناظم الاطباء آن را به معنای «شهرنشین بودن و در مرحله کامل تربیت اجتماعی قرار داشتن» (ر.ک: همان) آورده است. همچنین کلمه «تمدن tamaddon» در دو حالت «مصدری» به معنای شهرنشین شدن و به اخلاق و آداب شهریان خوگرفتن و «اسمی» به معنای همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و ... به کار رفته است. (ر.ک: معین، ۱۳۸۶، ص ۴۶۳)

تمدن در اصطلاح، دارای معانی گوناگونی است. در یک دسته‌بندی، به «انسان محور،

فرهنگ محور، جامعه محور و تاریخ محور» تعریف شده است (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۳، ص ۲۷-۳۱). در تعریفی دیگر، عبارت «تشکل هماهنگ انسان‌ها، در حیات معقول، با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه، در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها، در همه ابعاد مثبت» (جعفری، ۱۳۷۹، ص ۷) آمده است. در تعبیر دیگر، تمدن به همه تغییرات کمی و کیفی اطلاق می‌شود که در عرصه دادوستد اجتماعی و حیات مشترک انسان‌ها مجال بروز یافته و ماندگار شده است. در واقع تمدن، تجلی آثار و نشانه دستاوردهای مادی و معنوی تاریخ مردم یک سرزمین در زمان و مکان معین است. (شایان مهر، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت همه‌جانبه با مفهوم اسلامی را «ایجاد تمدن نوین اسلامی» می‌داند که خود دارای دو بخش «ابزاری» (ارزش‌هایی مانند علم و اختراع) و بخشی «متنی» (سبک زندگی) است. به عبارتی، بخش اول، بخش «سخت‌افزاری» و بخش دوم، بخش «نرم‌افزاری» تمدن به حساب می‌آیند. ایشان معتقدند اگر در بخش دوم پیشرفت نکنیم، پیشرفت‌های بخش اول نمی‌تواند ما را رستگار کند. هدف آن نیز تکامل مادی و معنوی انسان، رسیدن به حیات طیبه، تحقق عبودیت و قرب الهی است (ر.ک: بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). ایشان هدف از جامعه تمدنی را با «حیات طیبه» قرین دانسته و در مورد حیات طیبه فرمودند: حیات طیبه یعنی زندگی در رُویه مادی و نیازهای جسمانی، همچنین در لایه نیازهای معنوی (علمی، عملی و روحی) پاسخگو باشد (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۹). رهبر معظم انقلاب در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام، سخن را فراتر برده و درباره تمدن نوین اسلامی چنین فرمودند: تمدن نوین اسلامی یعنی رساندن این نسل‌ها به آفاق جدید؛ شادکردن دل‌های آنان؛ کرامت بخشیدن به انسان، کرامتی متناسب انسان (ر.ک: بیانات، ۱۳۹۳/۰۲/۳۱). معظم له معتقدند که اسلام می‌تواند این امور را به انجام برساند. بنابراین «تمدن» در دیدگاه ایشان، همه‌جانبه بوده، دارای دو بخش ابزاری و اصلی، با هدف تکامل مادی و معنوی انسان، رسیدن به حیات طیبه و تحقق عبودیت و قرب الهی است.



## ۱.۲. عصر ظهور

کلمه «عصر» در کتب لغت در چند معنا از جمله: «زمان، روزگار، دوره» و «فشردن» به کار رفته است (ر.ک: معین، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰۵). همچنین کلمه «ظهور» نیز دارای چند معناست که آشکار شدن و نمایان شدن» یک معنای آن است (ر.ک: همان، ص ۹۸۷). حویزی در تفسیر کلمه «العصر» (عصر: ۱) در تفسیر نور الثقلین، حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که منظور، عصر خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۶۶۶، ح ۵). علامه طباطبایی مراد از عصر را «عصر ظهور حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم» می‌داند و بعد از ذکر اقوال مختلف درباره این کلمه، به این نکته اشاره دارد که طبق بعضی روایات، مراد «عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام» است که در آن عصر، حق بر باطل به طور کامل غلبه کند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۳۵۵-۳۵۶)

حضرت آیت الله خامنه‌ای شروع زندگی واقعی بشر را از زمان حضرت حجت علیه السلام دانسته و تصریح دارند عصر ظهور، در انتهای وضع کنونی زندگی بشر است. ایشان در فروردین سال ۱۳۹۹، در سخنرانی تلویزیونی خود چند نکته مهم را در مورد حضرت حجت علیه السلام یادآور شدند؛ از جمله اینکه تصریح کردند: «زندگی واقعی بشر از زمان حضرت ولی عصر شروع می‌شود». (ر.ک: سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت امام زمان علیه السلام، ۹۹/۰۱/۲۱). همچنین در پیام به کنگره حج، با عنایت به آیه وعد (نور: ۵۵) به وعده الهی نوید دادند و فرمودند: «تحقق کامل وعده الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است» (پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۷/۰۹/۱۷). ایشان نشانه این وعده تخلف‌ناپذیر را در دو امر «پیروزی انقلاب اسلامی» و «بنای بلندآوازه نظام اسلامی» دانسته و معتقدند این دو امر، ایران را به «پایگاه مستحکم برای اندیشه حاکمیت و تمدن اسلامی» تبدیل کرد (ر.ک: همان).

مقام معظم رهبری برای تمدن‌سازی اسلامی، امید می‌دهند که «کانون آن در ایران اسلامی» است و می‌فرمایند: «ما هیچ‌کاری در مقابل خودمان نداریم که از اصل پیروزی انقلاب، بزرگ‌تر و از تشکیل نظام جمهوری اسلامی، سخت‌تر باشد. این ملت توانست سخت‌ترین کارها را انجام بدهد؛ یعنی یک نظام اسلامی و یک جزیره امن و امان الهی در وسط این اقیانوس



متلاطم مادّی‌گری، کفر و طغیان به وجود بیاورد. قدرتمندان عالم بدانند، کانون همان نیروی عظیم اسلامی که امروز در همه جای عالم، تخت استکبار و قدرت استکباری را به لرزه درآورده، در همین منطقه اسلامی و در ایران اسلامی است. این کانون اجازه نخواهد داد که آنها در این منطقه، حکمرانی و قدرت‌نمایی بکنند و سیاست این منطقه را به دست بگیرند. این منطقه، منطقه اسلامی و متعلق به مسلمانان است». (ر.ک: بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۶۹/۱۰/۱۹)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرایند تحقق هدف‌های اسلامی را در پنج مرحله: «ایجاد انقلاب اسلامی»، «ایجاد نظام اسلامی»، «ایجاد دولت اسلامی»، «ایجاد کشور اسلامی» و «ایجاد دنیای اسلام (تمدن بین‌المللی اسلامی)» می‌دانند. (ر.ک: بیانات در دیدار کارگزاران نظام در تاریخ‌های ۱۳۸۰/۰۹/۲۱؛ و ۱۳۸۳/۰۸/۰۶؛ همچنین در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸) ایشان در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی نیز فرمودند: «هدف نهایی را باید امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه دین، عقلانیت، علم و اخلاق قرار داد» (۱۳۹۰/۰۶/۲۶). ایشان در پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی، به این نکته اشاره کردند که حرکت تاریخی ملت ایران در حال بنانهادن یک تمدن است. معظم له، پایه اصلی تمدن را بر فرهنگ، بینش، معرفت و کمال فکری انسانی دانستند که در پرتو آن، همه چیز از جمله علم را به ارمغان می‌آورد. (ر.ک: ۱۳۷۳/۰۱/۰۱)

همچنین معظم له در جای دیگر می‌فرماید: امروز، هم بشریت بیش از بسیاری از دوران‌های تاریخ، دچار ظلم و جور است؛ هم پیشرفتی که امروز بشریت کرده است، معرفتی پیشرفته‌تر است و به خاطر پیشرفت معرفت‌هاست که ما به زمان ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف نزدیک شده‌ایم (بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان، ۱۳۷۸/۰۹/۰۳). ایشان در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، «ایمان» را در درجه اول، نیاز «تمدن‌سازی نوین اسلامی» دانسته و خواسته‌های اسلام از انسان را در چهار امر «انسان‌بودن»، «قدرتمندبودن»، «شاکر خدابودن» و «بنده خدابودن و جبهه عبودیت بر خاک‌ساییدن» می‌دانند و آن را بخش «سلوک عملی» گفته‌اند. همچنین معتقدند که اسلام به اینها و موارد دیگر به صورت عام یا خاص پرداخته و

همه در اسلام وجود دارد؛ منتها دستیابی به آن، به عهده اهل استنباط و اهل نظر است. (ر.ک):

بیانات، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

## ۲. گام‌های بین‌المللی تمدن‌ساز

بعد از شناخت دو مفهوم کلیدی، گام‌های بین‌المللی آن از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دو بعد سلوک بینشی و سلوک عملی، همراه با تحلیل قرآنی-روایی، بررسی می‌شود.

### ۲.۱. گام‌های سلوک بینشی

خداوند متعال در آیات متعددی، مؤمنان را از فرارگرفتن زیر سلطه کفار منع کرده است؛ مانند آیه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ خدا هیچ راهی برای (تسلط) کافران بر مؤمنان قرار نداده است» (نساء: ۱۴۱). برای تمرکز در آیه لازم است مفهوم دو کلمه سبیل و مؤمنین ذکر شود. کلمه «سبیل» در لغت به معنای «طریق» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۳۰ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۳۱۹) و راهی نرم که هموار باشد، (ر.ک: راغب، ۱۴۲۶، ص ۳۹۵-۳۹۶) آمده است و در این آیه، به این معناست که «خدای متعال هرگز کفار را مافوق مؤمنین و مسلط بر آنان قرار نمی‌دهد». بیشتر مفسران نیز برای آن، دو معنای «غلبه» (ر.ک: طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۶۴؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۸۷ و طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۱۶) و «حجت» (ر.ک: طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۶۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۲۴۸ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۱۳) را استعمال و بر هرکدام، وجوهی ذکر کرده‌اند که ذکر تفصیلی آنها جایی دیگر می‌طلبد. در زمان نزول آیه، دو کلمه «اسلام» و «ایمان» به یک معنا بوده و در موارد بسیاری از قرآن کریم نیز آن دو کلمه، به یک معنا استعمال شده‌اند؛ پس «مؤمن» در این آیه، در مقابل کافر و شامل همه فِرَقِ مسلمین (خاصه و عامه) است (ر.ک: موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ص ۲۰۲). ظاهر عبارت «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» چنین است که خدای متعال در این آیه می‌فرماید در عالم تشریح، هیچ‌گونه حکمی (در باب عبادات، معاملات و سیاسات) که موجب سبیل و سلطنت کافران بر مؤمنان باشد، وجود ندارد



(جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۵). در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ...﴾؛ مؤمنان نباید کافران را - به جای مؤمنان - سرپرست [و دوست خود] گیرند و هر کس چنین کند، پس در هیچ چیز از [رابطه با] خدا [او را بهره‌ای] نیست < آل عمران: ۲۸ >. طبق آیه، افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد. «اولیا» جمع «ولی» به معنای عهده‌دار شدن تدبیر امور مربوط به شیء است. عبارت ﴿مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ بیان می‌کند که محبت کافران را بر مؤمنان ترجیح می‌دهد و آنان را به جای مؤمنان برمی‌گزیند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۶۲). نهی خداوند متعال از ولایت کافران بر مؤمنان، به این معناست که آنها نباید عهده‌دار امور مربوط به مؤمنان باشند و بر آنان سلطه یابند. همین معنا، از آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را دوست (و سرپرست) مگیرید؛ آیا می‌خواهید، علیه خود دلیلی روشن، برای خدا قرار دهید؟» (نساء: ۱۴۴) نیز استفاده می‌شود.

بنابراین، در آیاتی از قرآن، به حرمت پذیرش حکومت کافر از ناحیه مؤمنان و همچنین نامشروع بودن هرگونه حکومت و سلطه کفار بر مسلمانان می‌پردازد: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء: ۱۴۱)؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا﴾ (نساء: ۱۴۴) و در آیه: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾؛ جز این نیست که سرپرست شما خدا و رسول او و کسانی اند که ایمان آورده‌اند؛ همانان که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع صدقه می‌دهند < مائده: ۵۵ > هر نوع حکومت بر مؤمنان را در ولایت الهی و کسانی می‌داند که خدا اذن داده است و به نامشروع بودن هر نوع حکومتی بر مؤمنان، جز ولایت موارد مذکور، تصریح دارد.

نتیجه اینکه مؤمنان به مقتضای ایمان خود، این استحقاق را می‌یابند که خدای متعال

به حکم جعل تشریحی، آنها را از زیر سلطه کفار خارج سازد. مؤمنین در سایه ایمان خود باید در برابر هرگونه اعمالی که موجب تسلط کفار بر آنان شود، مقاومت کنند تا وعده الهی مبنی بر جهانی شدن دین حق را تحقق بخشند. با این مقدمه، بحث «ایمان به خدا» و «باور به وعده‌های الهی»، مهم‌ترین گام سلوک بینشی، در زمره گام‌های بین‌المللی تمدن‌ساز عصر ظهور است که در ادامه، تحلیل آن ارائه می‌شود:

### ۲،۱،۱. ایمان به خدا

درجه اول نیاز «تمدن‌سازی نوین اسلامی» از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، «ایمان به خدا» است (ر.ک: بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از روحانیون مسلمان آفریقایی، در مباحث خود، به پایه‌گذاری تمدن عظیم تاریخی در صدر اسلام در پرتو ایمان و اتکای به خدای متعال اشاره کرده‌اند که دیگران هم به شرط ایمان به خدا، چنین کاری را می‌توانند انجام دهند. ایشان فرمودند: «ایمان، به آنها قدرت بخشید و توانستند برای چندین قرن، عظمتی را در تاریخ ایجاد کنند. ما هم به شرط ایمان می‌توانیم این کار را بکنیم» (۱۳۶۸/۱۲/۰۳). همچنین در بیان دیگری فرمودند: حکومت آینده حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف یک حکومت مردمی به تمام معناست؛ یعنی متکی به ایمان‌ها، اراده‌ها و بازوان مردم است. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می‌بخشد و یک حکومت صددرصد مردمی تشکیل می‌دهد. آن حضرت با اقتدار و قدرت و تکیه بر آن توانایی که ایمان والای خود او و ایمان پیروان و دوستانش، او را مجهز به آن قدرت کرده، گریبان ستمگران عالم را گرفته و کاخ‌های ستم را ویران می‌کند. (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصالای تهران، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که همه امت اسلامی در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. ایشان شاخصه‌های تمدن اسلامی را «ایمان»، «علم»، «اخلاق» و «مجاهدت مداوم» برمی‌شمارند که تمدن اسلامی می‌تواند با این موارد، اندیشه



پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد و در مقابل ارکان تمدن امروزی غرب، که شامل جهان بینی مادی، ظالمانه و اخلاقی ناپسند است، نقطه رهایی باشد (بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹). ایشان معتقدند جامعه مد نظر اسلام، جامعه‌ای است که از لحاظ «مادی» و «معنوی» باید با هم پیشرفت کند. در این صورت است که آن خصوصیات استثنایی جامعه و تمدن اسلامی خود را با ترکیبی از دنیا و آخرت نشان می‌دهد (بیانات در دیدار مردم شاهرود، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). معظم له می‌فرماید: «ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار از معنویت باشد و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود. این کارها را می‌توانیم انجام بدهیم، که به توفیق الهی هم می‌کنیم». (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹)

علامه طباطبایی ذیل آیه: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...﴾ خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد ساخت، چنان‌که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین قرار داد، و حتماً دینشان را که برایشان پسندیده است به سودشان استقرار خواهد بخشید، و قطعاً بيمشان را به ایمنی مبدل خواهد کرد. این در حالی است که مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نمی‌سازند﴾ (نور: ۵۵)، می‌نویسد: خدای متعال به کسانی که دارای دو ویژگی «ایمان» و «عمل صالح» هستند وعده داده که به زودی برای آنان جامعه‌ای پدید می‌آورد که به تمام معنا، صالح بوده و در عقاید و اعمال افراد آن جامعه، جز دین حق، چیزی حاکم نباشد. از خصوصیات چنین جامعه‌ای، «عبادت خالصانه» است. چنین مجتمعی تا کنون در دنیا منعقد نشده و تنها مصداق آن نیز در عصر ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۵۵). در این آیه، خدای متعال به مؤمنان درست‌کردار برای تشکیل حکومت دینی و حاکمیت آنان در آینده و به حاکمیت یکتاپرستی بر جامعه و پیدایش حکومت صالحان در آخرالزمان نوید داده و نیز به حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بشارت داده است. از سوی

دیگر، حاکمیت دین و دستوره‌های الهی بر اجتماع، از اهداف حکومت مؤمنان است. از عبارت «كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» در این آیه به دست می‌آید که در طول تاریخ، حکومت‌ها پی در پی تشکیل یافته و بعد از مدتی سقوط کردند و در نهایت، به دست مؤمنان قرار می‌گیرد. در آیه: «لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ؛ هرگز مپندار کسانی که کافر شده‌اند می‌توانند در زمین از سلطه [خدا] خارج شوند. جایگاهشان آتش است و چه بد سرانجامی است» (نور: ۵۷) سخن از ناتوانی کافران، در جلوگیری از تحقق وعده الهی، به منظور حاکمیت فراگیر مؤمنان صالح است.

غیر از آیه وعد (نور: ۵۵)، در آیاتی دیگر نیز مانند آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ و البته در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد» (انبیاء: ۱۰۵)، خدای متعال به تشکیل حکومت واحد جهانی، به دست بندگان صالح وعده داده است. همچنین همه کتب آسمانی، نسبت به حاکمیت صالحان بر زمین نوید داده‌اند و این پیشگویی در قرآن و کتب آسمانی، از پیروزی و حاکمیت انسان‌های صالح، در آخرالزمان است. از ضمیمه کردن این آیه (انبیاء: ۱۰۵) به آیه «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم» (انبیاء: ۱۰۷) به دست می‌آید که تحقق حکومت جهانی صالحان، در پرتو اسلام و رسالت پیامبر اکرم ﷺ خواهد بود. عبارت «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ؛ موسی به قومش گفت: از خدا کمک بخواهید و صبر پیشه کنید، که زمین ملک خداست، آن را به هرکس از بندگان که بخواهد واگذار می‌کند» (اعراف: ۱۲۸) نشانگر حاکمیت مؤمنان بر زمین، در گرو استعانت آنان از خدا و صبر ایشان در طریق ایمان است.

## ۲،۱،۲. باور به وعده‌های الهی

دومین گام سلوک بینشی در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «باور به وعده‌های الهی» است. ایشان وجود مقدس امام زمان علیه السلام را به عنوان مصداق وعده الهی نام برده و می‌فرماید: این بازمانده خاندان وحی و رسالت، عَلم سرافراز خدا در زمین است (سخنرانی در سالروز میلاد امام



عصر عَلَيْهِ السَّلَام، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱). معظم له به عنوان اندیشمندی دینی، در مورد قطعیت غلبه صلاح بر فساد در جهان، بینش اسلامی را این‌گونه تبیین می‌نمایند: از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و صلاح است. رسالت همه انبیاء و اولیاء، سوق دادن انسان به آن بزرگراه اصلی است که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ‌گونه مانعی تمام استعدادهايش می‌تواند بروز کند. هنوز بشریت به نقطه شروع آن صراط مستقیم نرسیده است. آن در زمان حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام محقق خواهد شد و در نهایت، صلاح بر فساد و قوای خیر بر قوای شر غلبه می‌کنند. این یک نقطه از نقاط جهان بینی اسلامی است که در آن هیچ‌گونه تردیدی نیست. (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲ و نیز ر.ک: بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، ۱۳۷۹/۰۸/۲۲)

دیدگاه رهبر انقلاب، متکی به آیات قرآن کریم است. آیات متعددی در قرآن، به حکومت اهل تقوا و صالحان روی زمین تصریح کرده است، از جمله: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ تا آن را بر همه ادیان، غالب [پیروز] گرداند» (توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹)؛ «... أَنْ الْأَرْضَ يَرِثَهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ؛ زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد» (انبیاء: ۱۰۵)؛ «الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ عاقبت [نیک] برای تقوای پیشگان است» (اعراف: ۱۲۸؛ هود: ۴۹؛ قصص: ۸۳) و «الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى؛ عاقبت [نیکو] برای [اهل] تقواست» (طه: ۱۳۲) بر این نوع از حکومت اذعان دارند. همچنین آیاتی همچون: «وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا؛ وعده حق خداست» (نساء: ۱۲۲) و آیه «وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ؛ خدا [این را] وعده داده است و خدا وعده‌اش را خلاف نمی‌کند» (روم: ۶) بیانگر آن است که خلف وعده الهی، ممکن نیست. یکی از وعده‌های الهی در قرآن «غلبه اسلام» است که در سه آیه با عبارت «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ اوست آنکه پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب گرداند» (توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹) به آن تصریح کرده است. محتوای دعوت رسول، «هدایت» و آیین او «حق» است. حقانیت دین، از آیات قرآن و احکام فردی و اجتماعی، اعم از اخلاقی، قضایی، سیاسی و ... فهمیده می‌شود مگر اینکه کسی جلوی فهم خود را گرفته باشد.



در مورد اینکه مراد از این «غلبه» چه چیز است، مفسران نظرات مختلفی ارائه کرده‌اند که در اینجا دو نظر عمده مطرح می‌شود:

الف) «پیروزی منطقی و استدلالی»: برخی معتقدند این امر، حاصل شده است؛ چراکه اسلام از نظر قدرت منطق و استدلال، بر تمامی آیین‌های موجود برتری دارد (ر.ک: قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۱۲۱ و ج ۱۶، ص ۲۹۲). قرطبی ذیل آیه ۹ سوره صف آورده که از موارد ظهور، غلبه با «ید» در قتال است. (ر.ک: همان: ج ۱۸، ص ۸۶)

ب) «غلبه ظاهری و غلبه قدرت»: عده‌ای گویند موارد استعمال کلمه «يُظْهِرُ» دلیل بر غلبه خارجی است. به همین دلیل می‌توان گفت علاوه بر مناطق بسیار وسیعی که امروز در قلمرو اسلام قرار گرفته، زمانی فرا خواهد رسید که همه جهان به طور رسمی در زیر این پرچم قرار می‌گیرد و این امر به وسیله قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه تکمیل می‌گردد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۸؛ ج ۹، ص ۱۹۱-۱۹۲ و ۴۲۰؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۸۲ و ج ۲۶، ص ۶۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۷۱-۳۷۲؛ ج ۲۲، ص ۱۰۱-۱۱۱ و ج ۲۴، ص ۸۴-۸۵). در حدیثی از پیامبر اسلام ص نقل شده که فرمودند: «لا يَبْقَى عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ بَيْتٌ مَدْرُورٌ وَلَا وَبَرٌ إِلَّا ادْخَلَهُ اللَّهُ كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ...» در روی زمین، خانه‌ای از گِل یا گِردِک باقی نمی‌ماند، مگر اینکه خدای متعال اسلام را در آن وارد می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۸). علامه طباطبایی ذیل آیه ۹ سوره صف می‌نویسد: «إِظْهَارُ شَيْءٍ عَلَى غَيْرِهِ نُصْرَتُهُ وَ تَغْلِيْبُهُ عَلَيْهِ؛ اظهار چیزی در مقابل چیز دیگر به معنای نصرت و غلبه بر آن است» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۵۵). در قرآن، وعده‌های الهی بسیار است که در اینجا تنها نمونه‌ای از آن آمد. معارف دینی بر این نکته تکیه دارد که مؤمنان نباید تنها منتظر تحقق وعده خدای متعال بمانند (انتظار مذموم)؛ بلکه در زمان غیبت وظیفه دارند برای عصر ظهور، زمینه‌سازی کنند. از جمله این زمینه‌سازی‌ها، فراهم کردن موقعیتی برای تحقق عبادت خالصانه است که یکی از وظایف مؤمنان به شمار می‌رود. هرچند خدای متعال اراده کرده است که عبادت خالصانه را در آن زمان محقق نماید؛ اما باید دانست که زمینه‌های آن باید از قبل فراهم گردد و یکی از آن زمینه‌ها برای تحقق عبادت خالصانه، «ایمان واقعی» است. با دقت در آیات

مذکور، به این نکته پی برده می‌شود که برای تمدن‌سازی عصر ظهور لازم است بینش دینی را «طبق خواسته الهی» تنظیم کرد نه طبق آنچه دشمنان برای مؤمنان طراحی کرده‌اند. این امر یک گام اساسی به شمار می‌رود.

بعد از توضیح در «ایمان به خدا» و «باور به وعده‌های الهی» به عنوان دو گام مهم سلوک بینشی در تمدن‌سازی نوین اسلامی، ضروری است که مؤمنان در بُعد رفتاری نیز گام‌های سلوک عملی را بپیمایند. در ذیل، تحلیل سه گام از آن بیان خواهد شد.

## ۲.۲. گام‌های سلوک عملی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مرحله «تمدن‌سازی نوین اسلامی»، خواسته‌های اسلام از انسان را در چهار امر «انسان بودن»، «قدرتمندبودن»، «شاگردبودن» و «بنده‌بودن» و جبهه عبودیت بر خاک ساییدن» دانسته و می‌گویند این بخش «سلوک عملی» است (ر.ک: بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). مقام عظمای ولایت، در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام ضمن تاکید بر غلبه رویش‌ها نسبت به ریزش‌ها، مسئله رویش‌های نوبه‌نو در نظام جمهوری اسلامی را یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسائل دانسته و می‌فرمایند: اکنون باید نگاه به آینده‌ای روشن و دور داشت، آینده دور همان «ایجاد تمدن اسلامی» است (ر.ک: بیانات، ۱۳۹۳/۰۲/۳۱). ایشان در بیانیه گام دوم نیز به صراحت آورده‌اند که «رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، به مراتب بیشتر از مفسدان، خائنان و کیسه‌دوختگان است» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). در این مجال، به سه گام «قدرتمندی»، «عبودیت» و «تبری» به عنوان مهم‌ترین گام‌های تمدن‌ساز نوین اسلامی از منظر ولی‌امر مسلمین پرداخته می‌شود:

### ۲.۲.۱. قدرتمندی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دو اصل «ایمان به خدا» و «فداکاری» را از عوامل پیروزی بر هر قدرتی برشمرده و قائلند که ملت ایران در دو عرصه دوران انقلاب و جنگ، با آن دو توانست به

موفقیت دست پیدا کند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «اگر یک مجموعه عظیم مردمی، به خدا ایمان داشت و دل او با نور ایمان روشن و آماده فداکاری بود، می‌تواند بر هر قدرتی که بزرگ‌تر از آن نباشد، پیروز شود. این یک اصل است. ملت ایران، این اصل را تجربه کرده است.» رهبری معظم دو نمونه از تجربه پیروزی در سایه ایمان و آمادگی برای فداکاری را دوران انقلاب و جنگ نام می‌برند (ر.ک: بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۶۹/۱۰/۱۹). ایشان در بیانی دیگر فرمودند: ملت ایران با همت جوانان و استعدادش توانسته است بخشی از مسائل را طی کند. افق هم روشن، و آینده در چشم مردم ایران، آینده امیدبخشی است؛ این پیشرفت ملت ایران است. (ر.ک: بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۷/۰۱/۰۱)

از دیدگاه مقام عظمای ولایت، عدالت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، با موعظه به دست نمی‌آید، بلکه استقرار عدالت در سطح جهان، نیاز دارد که مردمان عادل و انسان‌های صالح و عدالت‌طلب، «قدرت» را در دست داشته باشند و با زبان قدرت، با زورگویان حرف بزنند؛ با کسانی که سرمست از قدرت ظالمانه هستند باید با زبان اقتدار صحبت کرد (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰). ایشان در چهارمین توصیه در بیانیه گام دوم، که درباره عدالت و مبارزه با فساد است، چنین مرقوم داشته‌اند: عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است. این، کلمه‌ای مقدّس در همه زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه میسر نخواهد شد؛ ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت، ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه به‌ویژه حاکمان و قدرتمندان است. (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

آیاتی از قرآن کریم به مؤمنان دستور می‌دهد به مقدار توانایی خود، در مقابل کفار، تجهیزات جنگی که به آن احتیاج پیدا می‌کنند تهیه نمایند. یکی از این آیات، آیه: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ...﴾ و برای [رویارویی با] آنان هرچه توانستید نیرو و اسب‌های بسته آماده کنید... ﴿(انفال: ۶۰) است. علامه طباطبایی در ذیل آیه، به بحث



حکومت اسلامی پرداخته و آن را حکومت انسانی (یعنی حکومتی که حقوق همه افراد را رعایت نماید)، می‌داند. از سوی دیگر ایشان، دشمن منافع یک جامعه اسلامی را دشمن منافع تمامی افراد برمی‌شمارد و نتیجه می‌گیرد که بر همه افراد لازم است که با قیام خود، دشمن را از خود و منافع خود دفع کنند و تاکید دارد که باید برای چنین زمانی، نیرو و اسلحه را آماده داشته باشند و برخی از آمادگی‌های دفاعی را کسب نمایند. از این رو تکلیف در «أعدوا» را به عهده همگان می‌دانند نه اینکه فقط به عهده حکومت باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۱۱۴-۱۱۵)

### ۲.۲.۲. عبودیت

دومین گام سلوک عملی از دیدگاه مقام عظمای ولایت، «بنده خدا بودن و جبهه عبودیت بر خاک ساییدن» است. ایشان جوهر اصلی جامعه اسلامی را در عنصر تعبد، ایمان و عمل صالح آحاد مردم دانسته و می‌فرمایند: اولین وظیفه، ایجاد ارتباط و اتصال محکم‌تر با خدای متعال و بندگی خالص‌تر و بهتر است (بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴/۰۳/۰۶). ایشان مهم‌ترین مسئولیت جامعه اسلامی را کمال معنوی و الهی انسان‌ها برشمرده و تاکید دارند: جامعه‌ای که به عبودیت خدا (معرفت کامل خدا) می‌رسد، تخلق به اخلاق الله پیدا می‌کند. این نهایت کمال انسانی است (بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴). معنای روح توحید این است که انسان از غیر خدا عبودیت نکند و در مقابل غیر خدا، جبهه بندگی به زمین نساید. این معنای عبودیت کامل و خالص است (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۳/۱۰/۱۰). رهبر معظم در دیدار جمعی از روحانیون، هدف از تبلیغ را دعوت به عبودیت فردی و اجتماعی نام برده و خاطرنشان کردند: هدف تمام پیامبران، سوق دادن مردم به صراط مستقیم یعنی عبودیت است و باید مردم را به عبودیت الهی سوق دهید. عبودیت در زمینه اخلاق، عمل فردی و اجتماعی کاربرد دارد و وقتی عمل اجتماعی پیش آمد، آن وقت بحث‌های سیاسی هم در حوزه کار شما قرار می‌گیرد. بنابراین عبودیت، منطقه وسیعی در زندگی انسان دارد و به عمل شخصی، عمل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... گسترش می‌یابد. (۱۳۷۶/۱۰/۰۳)

در آموزه‌های قرآن، بحث از جبهه عبودیت بر خاک ساییدن و اجتماعی بیان شده است.

به عنوان نمونه، آیه: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ؛ محمد پیامبر خداست، و کسانی که با اویند بر کافران سخت‌گیر و با یکدیگر مهربانند. آنان را می‌بینی که در رکوع و سجده‌اند و فضل و خشنودی خدا را طلب می‌کنند. علامت آنان بر اثر سجده در چهره‌هایشان پیدا است» (فتح: ۲۹)، چهار مؤلفه جامعه اسلامی را ترسیم می‌کند: الف) همراهی با رسول خدا ﷺ؛ ب) قوی و شدید در مقابل بیگانگان و مهربان در ارتباط با خودی‌ها؛ ج) عبودیت افراد جامعه؛ د) تلاش با امید به فضل خدا. در این قسمت از آیه، همراهی عبادی و سیاسی یاران رسول اکرم ﷺ را بیان کرده و می‌فرماید: همراهان رسول خدا ﷺ افزون بر رحیم و مهربان بودن نسبت به یکدیگر، در برابر بیگانگان، شدید و باصلا بتند؛ عبادت (رکوع، سجود، شب‌زنده‌داری) می‌کنند و جبهه عبودیت بر خاک می‌سایند.

۲،۲،۳. تبری

«تبری» نیز یکی دیگر از گام‌های سلوک معنوی در کلام مقام عظمای ولایت است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از روحانیون درباره لزوم بیان تحلیل سیاسی در کنار اخلاق و معنویت، به نکات مهمی در امر تبلیغ پرداخته و فرمودند: سه دشمن را معرفی کنید: دشمن درونی (نفس اماره یا شیطان رجیم)، دشمن اجتماعی (شیطان بزرگ یا شیطان‌های گوناگون) و ایادی و اذنان شیطان (شیطان‌های قدرتمند عرصه سیاسی) ... عبودیت الهی یعنی اجتناب از «انداد الله» (ر.ک: بقره: ۱۶۵؛ ابراهیم: ۳۰ و سبأ: ۳۳) و تبری جستن از همه اشکال آن. دعوت به عبودیت، نفی همه اینها را می‌طلبد. در کنار عبودیت فردی باید صحنه زندگی اجتماعی و سیاسی انسان هم میدان عبودیت الهی باشد و در آنجا باید طاغوت‌ها ازاله شده و افشا گردند. هرچه ما به سمت توحید و عبودیت الله پیش برویم، شرّ طواغیت و انداد الله از سر ما بیشتر کم خواهد شد (۱۳۷۶/۱۰/۰۳). بر اساس اعتقاد به بینش اسلامی، یکی از وظایف انسان معتقد به این مبانی، عبودیت و اطاعت از خدای متعال و عبودیت با آن معنای وسیع و کامل آن است. توحید، شامل اعتقاد به وجود خدا و نفی الوهیت هر آنچه غیر اوست؛ از این رو در عمل، دو



وظیفه وجود دارد: اول، عبودیت و اطاعت از خدای متعال و دوم، تبری از اطاعت «انداد الله».

(بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

مقام معظم رهبری، خط کلی نظام اسلامی را «رسیدن به تمدن اسلامی» دانسته و تحقق تمدن اسلامی به طور کامل را در دوران ظهور حضرت حجت عجله الله تعالی فرجه الشریف می‌داند که آن زمان، شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است. ایشان می‌فرمایند: تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیة الله عجله الله تعالی فرجه الشریف است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. دوران ظهور حضرت بقیة الله، اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی، با مانع کمتر یا بدون مانع، با سرعت بیشتر و با فراهم بودن همه امکانات برای این حرکت است. خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است. این خط اگر با جدیت، پشتکار، شناخت آنچه که لازم است و عمل به آنچه که وظیفه است، ادامه پیدا کند، سرنوشت حتمی آن این است که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند و این امری «شدنی» و کاری است که باید گام به گام باشد. هر گامی، محکم‌تر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمی‌داریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی می‌کنیم، همراه باشد. (بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴)

در قرآن کریم، سه مانع پیشرفت انسان، «نفس»، «شیطان» و «طاغوت» معرفی شده‌اند. نفس در لغت به معنای جان و روح (دهخدا، ۱۳۴۳، ج ۱۳، ذیل کلمه ن ف س) است. قرآن از سه قسم نفس: نفس اماره، نفس لوامه و نفس مطمئنه نام برده است. نفس اماره دارای دو نقش اساسی است: الف) امرکننده انسان به بدی: «وَمَا أُبْرِيْ نَفْسِيْ اِنَّ النَّفْسَ لَمَّارَةٌ بِالسُّوْءِ؛ وَ مِنْ خُودٍ رَا تَبْرِيْهُ نَمِيْ كُنْم، زِيْرَا نَفْسٍ سَرْكَش، بَسِيْرَا بِيْءٍ وَ اَمِيْ دَارِدُ» (یوسف: ۵۳؛ ب) زیبا جلوه‌دادن کارهای زشت: «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ اَنْفُسُكُمْ اَمْْرًا؛ بَلْ كِه نَفْسٍ شَمَا كَارِي [ناشایسته] رَا بَرَايْتَانِ جَلُوْه دَادِه اَسْت» (یوسف: ۱۸). انسان توسط نفس لوامه، ملامت می‌شود: «وَلَا اُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللّٰوَاْمَةِ؛ وَ سُوْغَنْد مِيْ خُوْرْم بِيْ نَفْسٍ مَلَامْتِغَر [که شما برانگیخته خواهید شد]

(قیامت: ۲). نفس مطمئنه، برخوردار از خشنودی و رضایت خدای متعال است و عنایت خاص الهی شامل حال او می‌شود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي؛ ای نفس آرام و مطمئن، خشنود و مورد رضایت [خدا] به سوی پروردگارت بازگرد، و در میان بندگان من در آی و در بهشت من داخل شو﴾ (فجر: ۲۷-۳۰). نفسی که مانع از اتصال به خدا است، همان نفس اماره است.

کلمه شیطان در مورد هر موجود سرکش (جن، انسان و حیوان) اطلاق می‌شود (راغب، ۱۴۲۶، ص ۴۵۴). شیطان با ابزارهای مختلف مانند ایجاد دشمنی و کینه‌توزی میان انسان‌ها: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ؛ شیطان فقط می‌خواهد [به وسیله شراب و قمار] میان شما دشمنی و کینه پدید آورد﴾ (مائده: ۹۱) و مراجعه به طاغوت برای داوری: ﴿... يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَىٰ الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا؛ می‌خواهند داوری میان خود را نزد طاغوت ببرند، درحالی‌که قطعاً فرمان یافته‌اند که به آن کفر بورزند؟ و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری بيفکند﴾ (نساء: ۶۰) درصدد گمراه کردن انسان است. بازداشتن مؤمنان از یاد خدا و نماز، دو مورد از خواسته‌های شیطان است: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ ... وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ؛ شیطان فقط می‌خواهد [به وسیله شراب و قمار] ... و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد﴾ (مائده: ۹۱). آیات متعدد قرآن کریم، با گوشزد کردن دشمنی شیطان، انسان را از او تحذیر نموده و همچون دشمن، دستور به مقابله با او را داده است: ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا؛ بی‌شک، شیطان دشمن شماست، پس شما هم او را دشمن خود بگیرید﴾ (فاطر: ۶). قرآن همچنین شیطان را دشمن آشکار نامیده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ ... وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ ای مردم، ... و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، که او دشمنی آشکار برای شماست﴾ (بقره: ۱۶۸). بر همین اساس، قرآن، انسان را از اطاعت و پیروی شیطان نهی کرده است: ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ آیا با شما- ای فرزندان آدم- عهد نکردم که شیطان را پرستش نکنید، زیرا او دشمن آشکاری برای شماست؟﴾ (یس: ۶۰) و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا

تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی به اطاعت [خدا] درآیید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید. همانا او برای شما دشمنی آشکار است. (بقره: ۲۰۸)

کسی که طغیان و تجاوز او از حق، شدید بوده و مظه‌ری برای دنیا و باطل است، «طاغوت» نامیده می‌شود و در مقابل آن، «الله»، حق می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۷، ذیل ماده ط غ ی). آیات قرآن کریم درباره طاغوت و راه آنها، این مطلب را به مؤمنان تذکر می‌دهد که راه خدا با راه طاغوت و شیطان در تضاد است: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ؛ آنان که ایمان آورده‌اند، در راه خدا می‌جنگند و آنان که کفر ورزیده‌اند، در راه طاغوت می‌جنگند» (نساء: ۷۶). همچنین می‌فرماید طاغوت‌ها، ابزار کار شیاطینند و هر دو (طاغوت‌ها و شیاطین)، عناصری در برابر حکومت پیامبران الهی هستند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّحِكُمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا؛ آیا نظر نیفکنده‌ای به کسانی که می‌پندارند به آنچه به سوی تو و آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان آورده‌اند، ولی می‌خواهند داوری میان خود را نزد طاغوت ببرند، درحالی‌که قطعا فرمان یافته‌اند که به آن کفر بورزند؟ و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری بیفکند» (نساء: ۶۰). قرآن در این آیه، کفر به طاغوت را راه مقابله و مخالفت با شیطان معرفی می‌کند. قرآن، پیامد حاکمیت و ولایت طاغوت را در دنیا، انحراف جامعه از نور به ظلمات و در آخرت، جاودانگی در جهنم برشمرده و می‌فرماید: «... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ و کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرپرستانشان طاغوت‌ها هستند که آنان را از نور به سوی تاریکی‌ها بیرون می‌برند. اینان اهل آتش‌اند و در آن جاودان خواهند بود» (بقره: ۲۵۷). این آیه، خدا را سرپرست کسانی می‌داند که ایمان آورده‌اند که آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌برد، اما کسانی که با کفر خود، طاغوت‌ها را سرپرست خود قرار داده‌اند، آنها را از نور به ظلمات می‌کشاند و پیامد آن نیز خلود در جهنم است.



بنابراین، طاغوت‌ها بزرگ‌ترین مانع تحقق حاکمیت الهی در عالم ملک هستند، آن هم به خاطر تفکر طاغوت است که به دنبال تمدن مادی هستند؛ از این رو برای ایجاد حاکمیت جهانی، لازم است با تفکر طاغوتی (تمدن مادی) مبارزه کرد. دلیل این مطلب را می‌توان از عبارت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ معبودی جز خدا نیست» (صافات: ۳۵ و محمد: ۱۹) و «فَسَنْ يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ؛ پس هرکس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد» (بقره: ۲۵۶) به دست آورد که ابتدا نفی تمام طاغوت‌ها را آورده و سپس، از ایمان به خدا سخن رانده است.

**خلاصه:** اراده الهی در مورد انسان، مقام خلیفه الهی و اتصال به خدا است و اراده حضرت حق درباره جهان، ایجاد تمدن الهی توسط صالحان (ر.ک: انبیاء: ۱۰۵) برای رساندن همه انسان‌ها به خود است. قرآن، مهم‌ترین رسالت انبیاء بعد از دعوت به توحید را مبارزه با طاغوت‌ها معرفی کرده، می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ...؛ و همانا در میان هر امتی، پیامبری برانگیختیم که [بگوید:] خدا را بپرستید و از [پرستش] طاغوت بپرهیزید. پس، از آنان کسانی بودند که خدا هدایتشان کرد، و از آنان کسانی بودند که گمراهی برایشان مقرر شد» (نحل: ۳۶)؛ در این میان، مردم در قبال این رسالت به دو دسته تقسیم شدند که آیه متذکر هر دو دسته هست.

در زمان غیبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، مؤمنان برای زمینه‌سازی تمدن جهانی در مقابله با طاغوت‌ها، چند وظیفه مهم را به عهده دارند که باید تحت نظر نائب امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و وَجْهَ الشَّرِيفِ انجام دهند: شناخت افکار طاغوت‌ها، بی‌زاری از تفکر آنها، براءت از مجریان تفکر آنها و دوری از پیروان آنها، از جمله موارد مقابله با طاغوت‌ها است. با این توضیحات، به دست آمد که در یک نگاه کلی به دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، سه گام «قدرتمندی، عبودیت و تبری» از مهم‌ترین گام‌های تمدن‌ساز عصر ظهور در بُعد سلوک عملی شمرده می‌شود.

## نتیجه‌گیری

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ایجاد دنیای اسلام (تمدن بین‌المللی اسلامی) را آخرین مرحله از فرایند خط کُلّی نظام اسلامی دانسته و تحقق کامل تمدن اسلامی را در دوران ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌دانند که آن زمان، شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است. ایشان در بیانیه گام دوم، که به منزله منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» است، این گام را زمینه‌ساز «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی» عنوان کرده‌اند. تمدن‌سازی عصر ظهور، نیازمند برداشتن سه گام فردی، اجتماعی و بین‌المللی است که این مقاله، درصدد تحلیل گام بین‌المللی آن بود. بر این اساس، مهم‌ترین گام‌های بین‌المللی تمدن‌ساز، دارای دو بُعد «سلوک بینشی» و «سلوک عملی» است. همچنین ایمان به خدا و باور به وعده‌های الهی در بُعد بینشی و نیز قدرتمندی، عبودیت و تبری، در بُعد عملی، از مهم‌ترین گام‌های بین‌المللی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این عرصه به شمار می‌رود که هر دو بُعد نیز دارای مؤیدات قرآنی و روایی است.

۸۵



## پیشنهادها

۱. تحلیل قرآنی ارائه راهکارهای عملی تمدن‌ساز عصر ظهور در دولت عدالت (در بُعد اجتماعی)
۲. تحلیل قرآنی ارائه راهکارهای عملی تمدن‌ساز عصر ظهور در دولت عدالت (در بُعد بین‌المللی)

## فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه: مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵ ش، قم: بوستان کتاب قم.

### کتاب

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی تا، *التحریر و التنویر*، بی جا: بی نا.
۲. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
۴. جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۹ ش، *تمدن ها؛ مبانی و ارتباطات*، تنظیم: محمدرضا جوادی، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۴۲۶ق، *فرهنگ فقه*، مطابق مذهب *اهل بیت علیهم السلام*، قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور الثقلین*، تصحیح: هاشم رسولی، قم: اسماعیلیان.
۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۳ ش، *لغتنامه دهخدا*، زیر نظر: محمد معین، تهران: بی نا.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۲۶ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، دمشق: دارالقلم، بیروت: دار الشامیة.
۹. شایان مهر، علیرضا، ۱۳۸۴ ش، *دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران: کیهان.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو.
۱۲. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن* (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفة.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تحقیق: حسین اعلمی، تهران: انتشارات الصدر.
۱۶. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ ش، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۱۷. مصطفوی، حسن، ۱۳۸۵ ش، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۱۸. معین، محمد، ۱۳۸۶ ش، *فرهنگ معین (یک جلدی)*، تهران: زرین.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱ ش، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۰. موسوی بجنوردی، سید حسن بن آقابزرگ، ۱۴۱۹ق، *القواعد الفقهیة*، قم: نشر الهادی.

### مقاله

۱. حسینی، حسین، ۱۳۹۳ ش، *روش تحلیل مؤلفه های مفهومی تمدن*، حکمت معاصر، سال پنجم، تابستان، ش ۲، ص ۲۱-۴۵.

### پایگاه اطلاع رسانی

۱. پایگاه اطلاع رسانی حفظ و نشر حضرت آیت الله خامنه ای، <https://farsi.khamenei.ir/index>.



